

یادداشت

چتر حمایت از هوشمندسازی پلیس گسترده‌تر شود



حسین فصیحی

دبیر گروه حوادث

پلیس یکی از مهم‌ترین بازوهای تأمین امنیت جامعه محسوب می‌شود که بخش مهمی از عملکرد درست آن به ساختارهای دیگر قانونی و اجتماعی بستگی دارد. آن چیزی که متوجه خود پلیس می‌شود، تأمین درست نیروی انسانی است که پلیس می‌خواهد با استفاده از آن امنیت جامعه را تأمین کند. فردی که قرار است لباس پلیس را به تن کند علاوه بر سلامت جسمانی

و اخلاقی باید صلاحیت پلیس شدن را هم داشته باشد. از سوی دیگر وقتی پلیس فردی را به کار می‌گیرد باید امنیت کاری و مالی مأمور خود را تأمین کند. عدم توجه به این دو موضوع به پیامدهایی منجر می‌شود که کمترین آسیب آن بدبینی اجتماعی به عملکرد پلیس است. مأمور پلیسی که نتواند با حقوق دریافتی خود تا نیمه ماه را سپری کند، این احتمال را بیش وجود دارد که بخواهد مرزهای اخلاقی و انسانی را زیر پا بگذارد و با متخلفان و مجرمان مماشات کند. وقتی پلیس نتواند از بدنه خود مراقبت کند باید انتظار داشته باشد مأمورانش نتوانند در انجام مأموریت‌های خود درست عمل کنند و قدرت تاب‌آوری‌شان در جریان مأموریت‌های محوله تحلیل رود. موضوع دیگر اینکه بدنه انتظامی باید قادر باشد که از جان مأمورانش برایش وجود دارد که در جریان مأموریت جانش در معرض خطر قرار گیرد. مثلاً وقتی مأموری بدون پوشیدن جلیقه ضد گلوله راهی عملیات می‌شود و در جریان حادثه آسیب می‌بیند، حکایت از کوتاهی در مراقبت از سلامت او دارد. بخش مهم‌تر موضوع که متوجه بدنه انتظامی است، تلاش برای ارتقای آموزش بدنه انتظامی کشور است. در عصر حاضر جامعه‌ها با تهدیدهای بالقوه‌ای مواجه شده‌است. تهدیدهایی روزآمد که غفلت در آموزش دیدن بدنه انتظامی می‌تواند به دامنه نامنی‌ها اضافه کند، بنابراین وقتی میزان آمادگی با شدت تهدیدها برابری نکند بدنه انتظامی و به دنبال آن بدنه اجتماعی مورد تهدید قرار خواهد گرفت. چند سالی است که دسترسی آسان به اسلحه بروز اعمال مجرمانه را شدت بخشیده و مأموریت‌ها را برای پلیس دشوارتر کرده‌است. روشن است مأموری که برای دستگیری فردی مسلح از عمل می‌شود باید توان این را داشته باشد بدون آسیب دیدن خودش و شهروندان فرد قانون شکن را دستگیر یا به هلاکت برساند.

امین همه موارد اشاره شده نیازمند عنصری قدرتمند به نام «پول» است از همین‌رو پلیس باید با حمایت‌های مالی و پشتیبان‌های مالی دولت و مجلس تلاش خود را برای به کارگیری نیروی انسانی کارآمد به کار گیرد که مأمورانش در جریان فعالیت‌های خود دغدغه‌های تأمین معاش نداشته باشند. پلیس با حمایت و پشتیبان‌های مالی باید قادر باشد از تجهیزات نوین پلیسی برای تأمین امنیت بهره‌مند شود. این موضوع مهم‌ترین خاصه‌ای است که تأمین آن به عملکرد سایر نهادهای سازمان‌های قانونی بستگی دارد. مأموری که با خودروی زره پوش به مقابله با مخلان امنیت می‌رود هم اقتدار قانون را به رخ می‌کشد و هم اقتدار مخلان امنیت را در هم می‌شکند. وقتی مأموران پلیس بعد از برقرار شدن تماس با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ نتوانند به موقع در محل حاضر شوند حتماً جایی از کار ایراد دارد. بررسی‌های ما نشان می‌دهد بین میزان درخواست مردم از پلیس با میزان پاسخگویی پلیس برابری وجود ندارد. روشن است پلیس تمام تلاش خود را برای جلب رضایت اجتماعی به کار می‌گیرد، اما زمانی که توان جلب رضایت وجود نداشته باشد، فشار بر بدنه انتظامی افزایش پیدا می‌کند. در عصر حاضر و در حالی که جامعه ما با تهدیدهای جهانی مواجه شده‌است و مخلان امنیت و معاندان از هر ابزاری برای ایجاد اختلال در نظم عمومی بهره می‌برند باید چتر حمایت از پلیس از سوی همه نهادهای قانونی گسترده‌تر شود.



۳ قاتل قصاص شدند یک متجاوز و یک قاتل مهلت گرفتند

سحرگاه د بیروز چهار قاتل و یک متجاوز در زندان قزلحصار کرج برای اجرای حکم پای‌چوبه دار رفتند. یک زن و دو مرد که در حادثه‌های جداگانه مرتکب قتل شده بودند، قصاص شدند و یک قاتل مهلت گرفت و مرد متجاوز هم با نداشتن توبه‌نامه در صورت موقت متوقف شد. به گزارش «جوان»، نخستین مردی که از پای‌چوبه دار به سلولش بازگشت، حمید نام داشت. وی پنجم شهریور سال ۹۵ در درگیری از یکی از خیابان‌های پایتخت پسر جوانی را به قتل رسانده بود. از آنجایی که اولیای‌دمی برای اجرای حکم در زندان حاضر نشده بودند، حکم وی به صورت موقت متوقف شد. دومین متهم هم مرد متجاوز افغانی بود که چند سال قبل به پسر جوانی تجاوز کرده بود. وی در دادگاه به اعدام محکوم شده بود، اما سحرگاه دیروز با نوشتن توبه‌نامه‌ای حکمش به صورت موقت متوقف شد تا توبه‌نامه او در دادگاه رسیدگی شود. اولین قاتلی که قصاص شد، مرد جوانی به نام بهروز بود. وی در روز ۲۸ فروردین ماه سال ۹۹ همسر دوشم را با چاقو به قتل رسانده بود. متهم در بازجویی‌ها ادعا کرد با همسر دوشم اختلاف داشته‌است. سحرگاه دیروز خواهر و برادر مقتول حکم قصاص را اجرا کردند. دومین مرد قصاص‌شده هم کیوان نام داشت. وی هفتم مهرماه سال ۱۴۰۰ در درگیری خیابانی یکی از دوستانش را به قتل رساند و دیروز با حضور پدر مقتول قصاص شد. در زندان قزلحصار کرج قصاص شد. آخرین قاتل که قصاص شد، زنی به نام فرناز بود. او شامگاه هفتم اسفند سال ۱۴۰۰ پسر زن رمالی را به خاطر سرقت الکترونیکی به قتل رساند.

پروژه باندهای مخوف برای سوءاستفاده جنسی از دختران

شده‌بودند، گفت: پلیس توانست با انواع اقدامات فنی دوسر شبکه اصلی، پنج پل ارتباطی داخل و خارج، هشت عکاس و فیلمبردار فیلم‌های مستهجن و ۵۰ مدل را شناسایی و دستگیر و سکوهای تبلیغاتی آنان را مسدود کند. **فساد پشت پرده رقص** سخنگوی پلیس در ادامه به سراغ پرونده «لول آب دنس» که به بهانه اجرای مسابقه رقص در کشورهای همسایه اقدام به شناسایی دختران برای اهداف غیر اخلاقی، فیلم‌های مستهجن، قاچاق انسان و تشکیل شبکه‌های فحشا می‌نمودند، رفت و گفت: پشت‌پرده برخی از تبلیغات به ظاهر مفرح و کم‌خطر، اقدامات غیرقانونی و غیراخلاقی گسترده‌ای است که مستقیماً خانواده‌ها را تهدید می‌کند.

فساد به صورت برنامه رزنده برای شبکه‌ها و سایت‌های منتشر کننده محتوای غیر اخلاقی می‌نمود، گفت: متأسفانه برخی از دختران کم‌سن و سال و جوان (۱۵ تا ۲۶ سال) در دام سرکرده شبکه «چترپیت» که در قالب کارآفرینی برای جوانان در رشته‌های کامپیوتر، زبان انگلیسی، طراحی سایت و شبکه تبلیغ می‌نمود گرفتار آمده و پس از شناسایی، ساماندهی و آموزش، اقدام به تولید فیلم‌های جنسی زنده برای مردان با ملیت‌های مختلف آلمانی، فرانسوی، امریکایی، اوکراینی، روسی و انگلیسی می‌نمودند. معاون فرهنگی و اجتماعی فرآجا در ادامه با اشاره به پرونده بزرگ و چندوجهی «افانل» که با هدف تغییر ذائقه فرهنگی مردم به سوی ابتذال و حیزادایی از جامعه عقیف دختران و زنان ایرانی دست به کار

دنبال می‌شود، به اتهام شاخه خارجی باند فساد که اقدام به شناسایی، جذب و انتقال دختران برای خدمات جنسی و قاچاق آنها به خارج از کشور می‌نمودند، اشاره کرد و گفت که در فاز اول پرونده ۲۴ نفر، در فاز دوم ۵۷ نفر دستگیر و در فاز سوم تعداد زیادی شناسایی شده‌اند که تحقیقات برای دستگیری آنها جریان دارد. وی با اشاره به «پروژه کینگ» که شبکه‌های سازمان یافته برای قاچاق زنان به کشورهای ترکیه و گرجستان بود، اشاره کرد و ادامه داد: ارتباطات آنها با باندهای تجارت مستهجن و غیر اخلاقی خارج از کشور مشخص و در نهایت اعضای اصلی در تهران، البرز، پایانه فرودگاهی و گذرگاه مرزی بازگان دستگیر و تحویل مراجع قضایی شدند. سخنگوی پلیس با اشاره به پرونده «چترپیت» که اقدام به تهیه فیلم‌های مستهجن و مروج



معاون اجتماعی فرآجا از اتهام باند قاچاق سازمان یافته دختران که تحت پروژه‌های کینگ، چترپیت، افانل، لول آب دنس دختران را فریب داده و هدف بهره‌کشی‌های جنسی قرار می‌دادند، خبر داد. سردار سعید منظر المهدی با تأکید بر اینکه اقدام‌های پلیس به ویژه پلیس امنیت عمومی در راستای حفظ سلامت و ارتقای امنیت جامعه



تکین همتزاده ایبستا

۷۴ نفر از مخلان امنیت در پایتخت بازداشت شدند

از دستگیری شیطان هزار چهره تا سرقت با پایبند الکترونیکی

گرفته و بیچ او را دنبال کردم. صاحب بیچ مدعی بود برای مادرش خیرات می‌کند و از دنبال کنندگانش می‌خواست برای کارهای خیر کمک کنند. من مبلغی به حسابش واریز کردم و مدتی بعد با من تماس گرفت و گفت خیریه تصمیم دارد از من قدردانی کند. اول قرار شد به بهشت زهرا برویم و در آنجا با اعضای خیریه آشنا شوم. وقتی سر قرار رفته، آمبیوه‌ای به من تعارف کرد و وقتی خوردم کجج شدم و او هم با دست ضربه‌ای به سرم زد و بی‌هوش شدم. وقتی به هوش آمدم، داخل قیر تازه کنده شده‌ای بودم و مرد جوان تهدید کرد از من فیلم و عکس سیاه تهیه کرده‌است.» **سکته کردم** شاکی ادامه داد: «تا ه فهمیدم در دام چه شیادی گرفتار شدم. از ترس اینکه ابرویم پیشش فرزندانه و نوه‌هایم نرود، اسیری وی شدم. تمامی طلاهایم را که ۵۰۰ میلیون تومان بود، به او دادم، اما این پایان ماجرا نبود. او هر چند وقتی به بهانه‌های من اخاذی می‌کرد. اگر مخالفت می‌کردم، مرا شکنجه می‌داد. آنقدر در این مدت ضربه به سرم زد که نزدیک بود بینایی چشمانم را از دست بدهم و حتی سکته مغزی کردم و الان هم تحت‌نظر پزشک هستم. چک‌هایش را پاس می‌کردم. برای خودش و همسرش کفش و

و قاپزن را در قالب ۲۱ باند دستگیر کردند. این افراد در بازجویی‌های اولیه به سرقت بیش از ۵۰۰ دستگاه تلفن همراه اعتراف کردند. از آنجایی که افراد دستگیر شده، سابقه‌دار و جزو سارقان حرفه‌ای هستند با هماهنگی خوبی که با دستگاه قضایی داریم، این افراد روانه زندان و بعد از آزادی هم با پاینده‌های الکترونیک کنترل خواهند شد. **ماجرای هولناک** در گوشه‌های از حیاط پلیس آگاهی چند زن میانسالی هم به عنوان شاکی ایستاده‌اند. آنها فالوورهای بیچ اینستاگرامی به نام «مادرانه» بودند که مرد شیاد شیطان صفتی آن را می‌گرداند. آنها ماجراهای هولناکی را از گرفتار شدن خود در دام مرد شیاد تعریف می‌کردند که بیشتر شبیه داستان‌های خیالی بود. یکی از آنها، زن میانسالی است که وقتی با متهم روبه‌رو می‌شود هنوز آثار ترس در او پیدا است. او به خبرنگار ما می‌گوید: «دو سال قبل در فضای مجازی با بیچ اینستاگرامی به نام مادرانه آشنا شدم. صاحب بیچ عکس قیر مادرش را که با گل تزئین کرده بود، گذاشته بود و زیر عکس هم حرف‌های احساساتی و مطالب قشنگی نوشته بود. من مادرم را به تازگی از دست داده بودم و تحت تأثیر آن صفحه قرار

و قاپزن را در قالب ۲۱ باند دستگیر کردند. این افراد در بازجویی‌های اولیه به سرقت بیش از ۵۰۰ دستگاه تلفن همراه اعتراف کردند. از آنجایی که افراد دستگیر شده، سابقه‌دار و جزو سارقان حرفه‌ای هستند با هماهنگی خوبی که با دستگاه قضایی داریم، این افراد روانه زندان و بعد از آزادی هم با پاینده‌های الکترونیک کنترل خواهند شد. **ماجرای هولناک** در گوشه‌های از حیاط پلیس آگاهی چند زن میانسالی هم به عنوان شاکی ایستاده‌اند. آنها فالوورهای بیچ اینستاگرامی به نام «مادرانه» بودند که مرد شیاد شیطان صفتی آن را می‌گرداند. آنها ماجراهای هولناکی را از گرفتار شدن خود در دام مرد شیاد تعریف می‌کردند که بیشتر شبیه داستان‌های خیالی بود. یکی از آنها، زن میانسالی است که وقتی با متهم روبه‌رو می‌شود هنوز آثار ترس در او پیدا است. او به خبرنگار ما می‌گوید: «دو سال قبل در فضای مجازی با بیچ اینستاگرامی به نام مادرانه آشنا شدم. صاحب بیچ عکس قیر مادرش را که با گل تزئین کرده بود، گذاشته بود و زیر عکس هم حرف‌های احساساتی و مطالب قشنگی نوشته بود. من مادرم را به تازگی از دست داده بودم و تحت تأثیر آن صفحه قرار

غلامرضا مسکنی صبح دیروز مأموران پلیس آگاهی پایتخت ۷۴ سارق، زورگیر، اخاذ و کلاهبردار را که در چند عملیات دستگیر کرده بودند، در محوطه پلیس آگاهی پایتخت به صف کردند. بیشتر متهمان سابقه‌دار بودند و قبل از این هم چند باری به اتهام سرقت و زورگیری به دام افتاده بودند و زندان هم برای آنها درس عبرتی نشده بود. یکی از شگفتی‌های این طرح، بازداشت موبایل قاپ سابقه‌داری است که با پایبند الکترونیکی به سرقت رفته بود و نامش به عنوان نخستین سارق پایبندار ثبت شد. یکی دیگر از متهمان شاخص دستگیر شده، مرد شیطان صفتی است که در پوشش مؤسسه خیریه‌ای تقلبی زنان را فریب می‌داده و پس از تهیه فیلم و عکس سیاه از آنها اخاذی سریالی می‌کرده‌است. سردار علی ولیپور گودرزی، رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ در حاشیه طرح برخورد با سارقان و زورگیران گفت: همکاران من در پلیس آگاهی تهران بزرگ پس از چندین روز کار اطلاعاتی، موفق به شناسایی تعدادی از سارقان به عنف و قاپزن شده و در نهایت طی ۴۸ ساعت گذشته با هماهنگی مقام قضایی، عملیات متعددی را به اجرا گذاشته و در مجموع ۷۴ نفر از سارقان به عنف حرفه‌ای



انکار عجیب

بهباد متهم ۴۲ ساله است که با تشکیل بیچ اینستاگرامی به نام «مادرانه» ادعا می‌کرده فرد خیری است و برای شادی روح مادرش به افراد نیازمند کمک می‌کند. او با این ترغیب زن میانسالی را که فالوورهایش بودند، فریب می‌داد و به بهانه اینکه در مؤسسه خیریه قصد دارد از آنها تقدیر و تشکر کند، قرار ملاقات می‌گذاشت. متهم در محل قرار، آنها را با آمبیوه مسموم بی‌هوش می‌کرد و پس از تهیه فیلم سیاه، طلاها و جواهرات آنها را سرقت می‌کرد، اما این پایان ماجراهای وحشتناک مرد شیطان صفت نبود و وی با تهدید انتشار عکس‌ها و فیلم‌های سیاه و همچنین شکنجه آنها دست به اخاذی‌های سریالی از زنان میانسالی می‌زد. وی با اینکه تمامی مدارک و دلایل علیه‌اوست، جرم خود را انکار می‌کند. **بهباد به چه جرمی بازداشت شدی؟** به خاطر بیچ اینستاگرامی که گذاشتم. **چه بیچی؟** من در اینستاگرام بیچی به نام مادرانه داشتم و برای مادرم عزاداری و خیرات می‌کردم. **حتماً در این بیچ جرمی مرتکب شدی، درست؟** درست؟ **جرم می‌تکب نشدم، اما اتهام من اخاذی و فریب زنان است.** **اما پنج شاکی داری که همه آنها هم زنان میانسالی هستند؟** سکوت می‌کنند و بعد از مکث طولانی می‌گویند بله آنها از من شکایت کرده‌اند. **به چه جرمی؟** می‌گویند آنها را فریب دادم و از آنها اخاذی کردم. البته بعضی از آنها هم می‌گویند من با آمبیوه یا جای مسموم آنها را بی‌هوش کردم و پس از تجاوز، از آنها فیلم برای اخاذی تهیه کردم، اما من قبول ندارم. **چهار بنیاطی با آنها داشتی؟** من مغازه لوازم الکتریکی داشتم و آنها مشتری من بودند. **شاکی‌ها می‌گویند دنبال کنندگان بیچ اینستاگرامی شما بودند؟** بله، آنها اول از طریق بیچ اینستاگرامم با من آشنا شدند و بعد هم مشتری من شدند. **در بیچ اینستاگرامی چه فعالیتی داشتی؟** در بیچ مادرانه من برای مادرم خیرات می‌کردم و پست مادرانه می‌گذاشتم. **شما در پوشش مؤسسه خیریه تقلبی که در اینستاگرام تبلیغ می‌کردی، از شاکی‌ها**

چند روز بعد از اینکه پایبند به پایت خورد، شروع به سرقت کردی؟ من سوم فروردین اسمال از زندان آزاد شدم و پایبند به پایم زده شد و درست یک ماه بعد، روز سوم اردیبهشت به نام تصمیم گرفتم سرقت کنم، اما در صحنه سرقت هم افتادم. **درباره روز سرقت توضیح بده؟** به هر حال بعد از شب‌نشینی که با دوستانم خالفاکرام داشتم، تصمیم گرفتم صبح روز سوم اردیبهشت موبایل قاپی کنم. با موتور سیکلم به یکی از خیابان‌های جنوبی تهران رفتم و مرد جوانی را به عنوان معلم تحت‌نظر گرفتم. غافل از این بودم که به صورت نامحسوس تحت کنترل بودم. هنوز می‌خواستم موبایل را از دست مرد جوان بگیرم. اُزیر خودروی پلیس به صدا درآمد و من هم ناکام شروع به فرار کردم، اما خیلی زود در دام مأموران گرفتار شدم. **چرا سر دادی؟** من با موتورسیکلم شروع به فرار کردم و پلیس هم مرا تعقیب می‌کرد. برای اینکه دستگیر نشوم، علاوه بر حرکات خطرناک خلاف جهت هم رانندگی می‌کردم، اما در نهایت پلیس به من رسید. وقتی دیدم در محاصره هستم با قهقهه پلیس حمله کردم تا راهی برای فرار پیدا کنم که پلیس پایم را هدف قرار داد و با شلیک تیری پایم زخمی شد و گرفتار شدم. **چرا با این همه سابقه دوباره دست به سرقت می‌زنی و درس عبرت نگرفتی؟** نیاز به پول دارم. پدرم معتاد است و همسر و فرزندم هم خرجی می‌خواهند. من هم کاری ندارم و سابقه‌دارم و کسی هم به من کاری نمی‌دهد. تخصصی هم ندارم و برای تأمین هزینه زندگی‌ام سرقت می‌کنم. **همسرت اعتراضی نمی‌کند؟** نه. چاره‌ای ندارد. به هر حال او هم نیاز به پول دارد. **چه شد که اصلاً سارق شدی؟** رفت و آمد با دوستان ناباب باعث شد درازم جرمم خالفاکاران شوم. اولین بار ۱۶ سال سن داشتم که با دوستان سرقت کردم. البته خانواده‌ای نامسان هم در خالفاکار شدنم تأثیر نبود. **معنای؟** گل مصرف می‌کنم. **حرف آخر؟** خیلی پشیمان هستم و تصمیم دارم توبه کنم و دور خلافت را خط بکشم.



می‌گفتند پلیس با این سیستم فقط قصد ترساندن ما را دارد و اصلاً سیستم‌شان خراب است. صحبت‌های آنها خیلی در من تأثیر گذاشت و در نهایت تصمیم گرفتم با پایبند به سرقت بروم و امتحان کنم و ببینم آیا پلیس ما را تحت کنترل دارد یا نه. **پس متوجه شدی طرح پایبند الکترونیکی برای نمایش نیست؟** خوب ما عادت کردیم تا چیزی را امتحان نکنیم، باور نکنیم و اول فکر می‌کردم رصدهش دروغ است، اما الان نتیجه‌اش را می‌بینی که با پایبند الکترونیکی دوباره دستبند به دستم خورده و بازداشت شدم. **دانی اسمت به عنوان اولین سارقی که با پایبند الکترونیکی دستگیر شده ثبت شده‌است؟** الان متوجه شدم که من اولین سارقی هستم که با پایبند الکترونیکی سرقت کردم و دستگیر شدم. البته دوست داشتم اولین نباشم، اما الان هم ناراحت نیستم، به هر حال من هم اینطور می‌معروف شدم و فکر می‌کنم الان در بین سارقان رکورد دارم.

سرقت موفقی را با پایبند الکترونیکی در میان سارقان و زورگیرانی که در حیاط پلیس آگاهی به صف ایستاده‌اند، یکی از آنها را دیگران متمایز تر است. این متهم ۲۴ ساله معروف به «اشکان موفرقری نخستین سارق سابقه‌داری است که با پایبند الکترونیکی به سرقت می‌رفته، اما خیلی زود هم دستگیر می‌شود. متهم که دو عصار زیر بغل دارد در گفت‌وگو با خبرنگار ما اظهار پشیمانی می‌کند و مدعی است تصمیم گرفته توبه کند و دور خلاف را خط بکشد. **اشکان پایبند الکترونیکی داری؟** بله، من سابقه دارم و سومین روز عید که از زندان آزاد شدم، پلیس این پایبند را به پایم زد تا همیشه در رصدها باشم. **چند بار سابقه داری؟** من الان پنجمین بار است که دستگیر می‌شوم. قبل از این چهار بار دستگیر شده بودم. **تمامی سابقه‌هایت برای سرقت است؟** بله، من کلاس سرقت موبایل انجام می‌دهم. البته گاهی از دست شهروندان می‌قایم و گاهی هم زورگیری می‌کنم و چند سالی است که به این شیوه سرقت می‌کنم. **چرا شیوه دیگر را امتحان نمی‌کنی؟** من در این شیوه حرفه‌ای هستم و دوست ندارم سرقت جدیدی را تجربه کنم. چون احتمال می‌دهم خطایم بیشتر شود و زود دستگیر شوم. **اما بار پنجم خیلی زود دستگیر شدی؟** بله، چون پایبند الکترونیکی داشتم، به همین دلیل خیلی زود در صحنه حادثه رصدها بازداشت شدم. **چه شد که تصمیم گرفتی با پایبند الکترونیکی به سرقت بروی؟** فکر نمی‌کردم این رصدها واقعی باشد. چون تعداد ما زیاد بود، فکر کردم پایبند رصدها به ما شبیه یک نمایش باشد. با خود گفتم چطور پلیس می‌تواند این همه مجرم سابقه‌دار را رصدها کند و احتمال دادم می‌خواهند ما را برترسانند تا خلاف نکنیم. واقعیتش می‌خواستم خودم امتحان کنم و ببینم واقعاً ما تحت کنترل هستیم یا نه. دوستام هم مرا تشویق کردند و می‌گفتند رصدها دروغ است. **یعنی دوستان هم تو را ترغیب کردند؟** بله. به هر حال دوستان ما هم خالفاکار هستند و وقتی از زندان آزاد شدم و پایبند به پایم بسته شد، دوستانم مرا مسخره می‌کردند که از ترس سرقت نمی‌کنی. آنها